

دو تا رفیق بودند که همیشه با هم شراب میخوردن.

یکیشون میمیره

چند وقت بعدش اون یکی میره میخونه به ساقی میگه: ۲ پیک بریز

ساقی میگه: چرا ۲ تا؟

میگه: یکی برای خودم یکی به یاد رفیقم.

سال بعد دوباره میره میخونه

به ساقی میگه: ۱ پیک بریز

ساقی میگه: رفیقتو فراموش کردی؟

میگه: نه خودم توبه کردم.

میزنم بیاد رفیقم.